

نسل جدید و دولت جدید

علي وراميني

به افراڊاي كه بين اواسط دهه 90 ميلادي تا 2010 به دنيا آمده‌اند نسل زد مي‌گويند. نسلي كه جهان بدون موبایل و اينترنت را تجربه نكرده است، در اينترنت دوست يافته، جلسه گذاشته، اوقات سپري كرده، بازي گروهی انجام داده و... از بخت بد، اين پاندمي و استمرار آن هم در عمق بخشیدن به زندگي مجازيش كمك كرده است.

اينكه بخش عمده‌اي از زندگي اين نسل در اينترنت سپري شده و تقريباً همه آنهايي كه در اين نسل به اينترنت دسترسي دارند از منابع فرهنگي و شناختي يکسانی استفاده کردند، منتج به ويژگي‌هاي براي اين نسل شده كه با درجاتي بين خودشان در جاهاي مختلف تقريباً يکسان است و با نسل‌هاي پيشين خودشان به‌خصوص در ايران تفاوت بنيادين دارد.

نسل زد تفكر انتقادي دارد. اين تفكر انتقادي را به ميانه‌ي بي‌شمار اطلاعاتي كه از پرسه‌گري‌هايش در فضا ي وب در معرض بوده به دست آورده است. نسل زد ديگر به‌راحتي به خاطر آنكه فلان چيز را فلان كس گفته قبول نمي‌كند. دليل و برهان مي‌خواهد. درباره هرچيزي بي‌شمار بديله‌ها و ضد آنها را ديده است و به سادگي گزاره‌اي را نمي‌پذيرد. از سوي ديگر اين نسل به برنامه‌هاي عملي نگاه مي‌كند. صحبت‌هاي كلي و وعده‌هاي بي‌زمان و ايهام‌دار برايش محلي از اعراب ندارد. طلب يك برنامه منسجم و زودبازده دارد. يكي از مهم‌ترين ويژگي‌هاي اين نسل كه كار دولتمردان، برنامه‌ريزان و مديران را سخت مي‌كند اين است كه نسل زد اهل قياس است. دنياي او به وسعت دنياي وب است. تا به سن دانشگاه صدها قسمت سريال خارجي ديده است، بي‌شمار فيلم و انيميشن، با سبك‌هاي موسيقي زيادي آشنا شده است. در خلال اينها انواع رابطه شهروند- دولت را ديده است. استانداردهايي از اين بابت در ذهن او نقش بسته است. چون فضا ي اصلي رسانه‌اي دست كسورهايي است كه از جنبه رابطه دولت و ملت به لحاظ تاريخي در مطلوب‌ترين وضعيت ممكن هستند و اين وضعيت را حتي با افراط بازنمايي مي‌كنند، كار سياستگذاراني كه بخواهند براي اين نسل برنامه داشته باشند و بخواهند آنها را راضي كنند، سخت ميشود.

اولين كاري كه يك نسل زدي مي‌كند قياس وضعيت خود با همسان خود در ديگر كسورهاست. اين قياس به دليل اينكه نسل زد تقريباً نسبت به

شرایط تاریخی و وضعیت سیاسی بیگانه است، يك قیاس منطقی نخواهد شد. آن چیزی که در بازنمایی از کشورهای غربی می‌بیند، ایده‌آلی می‌شود که از نظر او باید سریع به آن رسید.

نسل زد البته که سراسر دارای ویژگی‌های مثبت مطلق نیست. نسل زد در کنار این ویژگی‌ها سویه‌های دیگری هم دارد که اگر در اصلاح آن نکوشد، هم برای زندگی فردیشان و هم اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند مشکلاتی ایجاد خواهد شد. به صورت شهودی و تجربه شخصی می‌توان گفت؛ آن‌چیزی که در نسل زد وجود ندارد آرمان است. نسل زد با آرمان‌های به‌خصوص جمعی بیگانه است. نداشتن آرمان احتمالاً در مقاطعی زندگی انسان را از معنا تهی کند. این نسل را می‌توان حتی نسل فست‌فودی نامید. درباره هرچیز که ندانند در کسری از ثانیه آن را از گوگل پرسیده‌اند. معمولاً در این باره زیاده‌خواهی نمی‌کنند، آنچه از گوگل می‌رسد قانع‌شان می‌کند. برای آنها دیگر رنج یادگیری معنا ندارد. حتی برای یادگیری لازم نیست از پشت میزشان بلند شوند. این سبک از زندگی آنها را به این عادت می‌دهد که هرچیزی را می‌توان سریع و بی‌زحمت به دست آورد.

اما مهم‌ترین ویژگی این نسل بی‌توجهی به میراثی است که از گذشتگان رسیده است. متأسفانه آنان یکسره این میراث را فاقد ارزش می‌دانند چون با معیارهای امروزی همخوانی ندارد. این علاوه بر اینکه باعث می‌شود نسل زد خود را از گنجینه‌ای محروم کند، فهم‌شان از خود و در واقع هویت‌شان را دچار اختلال می‌کند. دولت جدید بدون توجه به این نسل و ویژگی‌های خاص آن قطعاً دچار معضلات زیادی خواهد شد. رئیس‌جمهور منتخب، در جریان انتخاب پیشین که گرما و شور بیشتری داشت، نشان داد که به هر حال این نسل به چشمش آمده‌اند؛ آنقدر که کنار آن خواننده بنشیند. امید که شناخت این دولت از نسل زد مانند مجلس نباشد که با طرح صیانت نشان داد هیچ درکی نسبت به اوضاع ندارد.